

اعلامیه حقوق بشر  
ماده سوم - هر کس حق زندگی،  
آزادی و امنیت شخصی دارد .

## آزادی تاملر قانون

❁ از این کلمه نباید سوء استفاده کرد .

❁ حصار قانون

❁ ارزش زندگی از نظر اسلام .

آزادی کلمه مقدسی است که تمام ملتها ، اقوام ، و افراد بشر ، طبعا خواستار حقیقت آن بوده و برای بدست آوردن معنی واقعی آن همواره تلاش میکرده اند .

و اکنون نیز ، يك جنبش همگانی در سراسر جهان ، حتی در نقاط دور از تمدن ، علیه استبداد و استعمار ، شروع گردیده و امید است که پایان این شب سیاه سپید ؛ و تحصیل آزادی برای بشریت قطعی باشد .

لیکن ؛ هنوز که هنوز است ، بشریت با آنهمه تلاش و فعالیتیکه در طول تاریخ زندگی برای بدست آوردن معنی واقعی « آزادی » نموده ، و آنهمه خونهاییکه در این راه ریخته و آنهمه قربانیهاییکه داده است ؛ نتوانسته خود را از زیر چنگال اهریمنانه استبداد نجات دهد و آزادی بمعنی واقع کلمه را بدست آورد ؛

امام موضوع جالب توجه و حیرت انگیز ، اینست که بیشتر جرائم و حوادث نامطلوبیکه چهره تاریخ بشریت را سیاه کرده و در طول تاریخ زندگی فرزندان آدم بوقوع پیوسته معلول غریبه آزادبخواهی بوده و بنام مقدس « آزادی » صورت تحقق و نبوت بخود گرفته است ؛

اگر ممالک نیرومند جهان ؛ کشور های کوچک و ضعیف را مستعمره خود قرار میدهند و از منابع ثروت آنها آنچه که میتوانند استفاده میکنند ، و خون آن بینوایان را مانند

ذالومکیده و در جمیع شئون حیاتی آنان ، بطور فعال مایشامی مداخله میکنند ، اینکار را بنام مقدس «آزادی» انجام میدهند !

اگر اقویا و ثروتمندان اذراه مکیدن خون ضعفا و بیچارگان و گرفتهن رباور شوه حق حساب و غیره ، درخت وجود طبقه کارگر و بینوا و زیر دست را خشک کرده و سفره خود را رنگین ترمیسازند و اذاینراه برحجم طبقه ناراضی افزوده و اختلاف طبقاتی را شدیدتر میکنند ، آنهاهم اینکارها را بنام مقدس آزادی در اجرای منویات و خواستههای نامشروع خود ، و تصرفات خود مختارانه در اموال و ثروت خویش یادبگیران ، انجام میدهند !

اگر نویسندگان و صاحبان جرائد و مطبوعات ، بانشر عکسهای لغت و عربان زنان آلوده ، و نقل داستانهای گمراه کننده و مطالب مسموم و فضیلت کش ؛ افکار مردم بالاخص ؛ طبقه جوان را منحرف و مسموم میسازند و در نتیجه آمار جرائم و جنایات را افزایش میدهند ، آنها نیز ، اینکارها را بنام مقدس «آزادی» مطبوعات انجام میدهند ! اگر عده ای اذذنان بوالهوس ، در مجالس و شب نشینیهای خصوصی و با درمراکز و مناظر عمومی ، بانشان دادن نیمی اذ بدن خود با آن مدهای لعنتی ، آتش شهوت طبقه جوان و طایفه مردان را مشتعل میسازند ، و اذاین رهگذر هزاران حوادث ناگوار و نا مطلوب ؛ در اجتماع ؛ بدبدمیاورند ؛ آنها نیز این اعمال را بنام مقدس «آزادی» - آزادی بنام مقدس آزادی - انجام میدهند !

اگر بازرگانان و اصناف و پیشهوران و طبقات مختلف مردم اذراه فروش اجناس تقلبی ، هزاران نفر را فلج یا مسموم یا مریض و بدبخت میکنند ، آنها هم تحت نقاب «آزادی» اقتصادی ؛ مرتکب چنین اعمال خلافی میشوند !

کوتاه سخن اینکه : بسیاری ازمردم ، اذاین کلمه مقدس «آزادی» سوء استفاده میکنند و بیشتر جرائم و اعمال خلاف انسانیت اذ همین راه در خارج صورت میگردد .

هر کدام اذماها در زندگانی شخصی و روز مره خود ، با افرادی روبرو شده ایم هنگامیکه آنها را برای ارتکاب اعمال ناپسندشان مورد تکووش قرار میدادیم ؛ در پاسخ همین حربه زنگ زده را برخ ما میکشیدند و شانه ها را بالا انداخته ، ما را چنین مخاطب میساختند : « ای بابا بشماچی ؟ ! من میخواهم آزاد باشم ، من اختیار خودم را دارم ؛ من میخواهم صدای ساز و آواز را دیوم بلند باشد من میخواهم پیراهن های دکولته بالای زانو ، سینه چاک . . . . پوشم ؛ من میخواهم شهادت قمار خانه ها ؛ سینماها ، تئاترها دانشگاهها ، کبابها ؛ میخانه ها . . . . بسربرم ؛ من . . . . و من . . . . و من . . . » غافل اذ اینکه

چنانچه مردم تا این اندازه در ارضاء خواسته های نفسانی آزاد و لجام گسیخته باشند، بطوری که ذیلا شرح داده میشود، امنیت، سعادت و آزادی عمومی در خطر خواهد قرار گرفت و زندگی انسانی تبدیل بیک حیات حیوانی خواهد شد و اینجاست که ماهم با آن نویسنده دانشمند هم عقیده شده و تصدیق خواهیم کرد که: «باینکه انسان بالذات حیوانی است اجتماعی، ممالک حیوان خوش رفتاری نیست» (۱)

### حصار قانون

متفکرین بشر از دیر زمانی، برای آنکه از تعدیات و تجاوزات، جرائم و جنایات و بطور کلی از بلند پروازیها و خودخواهی های بیجای انسان که از غریزه «آزادی خواهی» او سرچشمه میگردد، جلوگیری بعمل آورند حصارهای از قانون و مقررات، دور امیال و خواسته های سرکش او پدید آورده تا بدینوسیله تندرستی های او را تعدیل کرده، مصالح و منافع عمومی را در پناه قانون محفوظ نگهدارند.

گرچه در طول تاریخ، افرادی پیدا شده اند که برای کلمه آزادی منمائی وسیع تری قابل بوده و میپنداشتند که انسان میتواند، تا حدود تمایلات و شعاع خواهشها، از آزادی بهره مند گردد ولو آنکه منجر بسلب آزادی از دیگران شود؛ لیکن این نیز یکی از اشتباهات دیگر آنها بشمار میرود؛ زیرا آنها بیکه با این پندار، آزادی را از دیگران سلب میکنند و در میدان زندگی تنها خود را میخواهند، باید بدانند: «دیگران هم مانند آنها انسانند انسان خواهان زندگی اجتماعی است، و در زندگی اجتماعی اگر بنا بشود، هر کسی هر چه دلش خواست انجام دهد و مانند حیوانات انسا گسیخته باشد، در اینصورت؛ خواه ناخواه تصادمهای شدیدی در جامعه پدید خواهد آمد، و زندگی اجتماعی انسانی، بیک زندگی حیوانی که در آن جز زور و قلدری و تجاوز بضعف دیگران، حکمفرمانیست، تبدیل خواهد شد و در نتیجه آزادی حقیقی از همه سلب خواهد گردید!

و این یک حقیقتی است که هر فردی با کمی دقت میتواند آنرا تصدیق نماید و دانشمندان علم حقوق نیز باین حقیقت تلخ اعتراف نموده اند که ذیلا عین عبارات «منتسکیو» مؤلف کتاب روح القوانین از زیر نظر شما میگردد: «آزادی عبارت از اینست که انسان حق داشته باشد هر کاری را که قانون اجازه داده و میدهد بکند، و آنچه که قانون منع کرده و صلاح او نیست مجبور بانجام اونگردد؛ و در اینصورت اگر مرتکب اعمالی شود که قانون منع کرده، دیگر آزادی وجود نخواهد داشت» (۲)

(۱) جنگ و صلح در قانون اسلام ص ۹.

(۲) ص ۱۵۷ از کتاب روح القوانین چاپ سوم.

قرآن مجید نیز در موارد مختلف که به بعضی از آنها ذیلا اشاره میشود ، لجام کسبختگی و آزادی مطلق را غیرجائز شمرده از این حقیقت باز ، بعنوان حدود (مرزهای) خدا یاد کرده است .

۱ - **«تلك حدود الله و من يتعد حدود الله فقد ظلم نفسه»** - آن حدود و مرزهای قانون خدا است و هر که از حدود خدا تجاوز کند ، بخوش ستم کرده است (سوره طلاق آیه ۱) .

۲ - **«تلك حدود الله فلا تتعدوها و من يتعد حدود الله فاولئك هم الظالمون»** - آن حدود خدا است ، از آن تجاوز نکنید و کسانی که از حدود خدا تجاوز کنند ، ستمکارانند (سوره بقره آیه ۲۲۹) .

۳ - **«تلك حدود الله و من يطع الله و رسوله يدخله جنات تجري من تحتها الانهار خالدین فیها و ذلك الفوز العظيم و من يعص الله و رسوله و يتعد حدوده يدخله ناراً خالداً فیها و له عذاب مهین»** - آن حدود (مرزهای قانون) ؛ خداست و هر که از خدا و پیغمبرش فرمان برد ؛ او را به بهشتهایی درآورد که در آن جویها روانست و جاودانه در آن باشند و کامیابی بزرگ اینست ؛ و هر که نافرمانی خدا و پیغمبر وی کند و از مرزهای او (قانون) تجاوز نماید خدا او را در آتش همواره میسوزاند و برای او عذابی خوارکننده است (سوره نساء آیه ۱۳) .

با در نظر داشتن مطالب فوق میتوان چنین نتیجه گرفت که : بشر آزاد است یعنی کسی حق ندارد بر او ظلم کرده ، مالش را بخورد ، حقوقش را تضییع کند ، خوش را ببرد . . . . .

ولی در عین حال بطور کلی آزاد نیست یعنی مثل حیوانات ، افسار گسیخته و مطلق - العنان نیست که بتواند با تکاء سر بنجه زور و قدرت بر دیگران تجاوز کرده ، یا از کلیم قانون فراتر نهد . خلاصه آزاد است اما در حدود قانون .

### ارزش زندگی از نظر اسلام

با آنکه اسلام ، روزگار و محیطی تجلی کرد که آدم کشی ، قتل و غارت ، فرزند کشی ، رواج سزای داشت و چه بسا برای يك امر بسیار حقیر و ناچیزی ؛ قبیله‌هایی بجان همدیگر افتاده ، خونهای زیادی بر ارمیانهذاختند ، گویانکه مردم برای حیات و زندگی ارزشی قائل نبوده ، از خونریزی و آدم کشی لذت میبردند ؛

ولی در عین حال ، نه تنها اسلام بهیچوجه تحت تاثیر رسوم و عادات زشت و نکوهیده

زمان خود قرار نگرفت ، بلکه دست بیک مبارزه شدیدی علیه آنها مخصوصاً علیه قتل و آدمکشی زد که پس از مدت کوتاهی همان مردم را باهم برادر ساخت (۱)

ارزش و اهمیتی که اسلام برای حیات و زندگی قابل شده ، آنقدر زیاد است که میتوان ادعا کرد ، برای هیچ موضوعی چنان اهمیت را قابل نشده و در هیچ مذهبى بمانند آن اهمیت و تاکید دیده نشده است .

اسلام از یکطرف ؛ احترام خون افراد را تاجایی بالا برده که کشتن یکفرد بیگناه را برابر با کشتن تمام افراد قرارداد داده است : «هن اجل ذالك کتبنا علی بنی اسرائیل انه من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جميعاً - برای همین جهت بود که به بنی اسرائیل دستور دادیم ، که اگر کسی بدون جهت کسی را بکشد یا در زمین ایجاد فتنه و فساد کند ، مثل اینکه تمام مردم را کشته است» (۲) .

و از طرف دیگر قاتل و آدم کش را عده خلود در جهنم داده (۳) و درین دنیا نیز جزا و کیفرش را قتل و کشتن قرارداد داده است : «ولا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق ومن قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً فلا یسرف فی القتل انه کان منصوراً و من قتل او فرمانروایی درباره سر نوشت قاتل قرار داده ایم (بسی میل دارد قاتل را بکشد ، میل دارد دیه بگیرد و با آزاد سازد) اما به پیچوجه برای صاحب خون جانی نیست که اسراف در قتل نماید (منی بجای یک نفر منلاچند نفر را بکشد) اوست یاری شده» (۴)

اسلام بطور کلی آدمکشتن را ، خواه مقتول پیر باشد ، خواه جوان و طفل ، حرام کرده و مخصوصاً فرزند کشی را که بکرسم دیرینه عربها بشمار میرفت ، مورد انتقاد قرارداد داده و اکیداً از آن نهی کرده است : «ولا تقتلوا اولادکم من اطلاق نهن نرزقکم و اباهم و لا تقربوا الفواحش ما ظهر منها و ما بطن و لا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق» فرزندان خود را از بیم فقر ، نکشید ، ماشما و آنها را روزی میدهم و بکارهای زشت ، آشکار و پنهان نزدیک مشوید و نفسی را که خدا حرام کرده بقتل نرسانید مگر بحق (قصاص و حکم خدا) .

گرچه درباره ارزش زندگی و احترام بخون از نظر اسلام آیات و روایات زیادی در دست است لیکن ما برای ترس از اطالة بحث ، بر وایت ذیر اکتفا میکنیم :

پیغمبر اسلام ، در آخرین سال حیاتش ، خطاب به ای را که درمنی ، در برابر انبوه جمعیت ایراد فرمود ؛ در همان خطابه آدم کشی و تصرف غاصبانانه را نسبت باموال دیگران ، بطور دائم و همیشگی تحریم نمود : «ایها الناس ان دماکم و اموالکم علیکم حرام الی ان تلقوا ربکم - ای مردم خونها و اموال شما تا روز قیامت بر یکدیگر حرام است» (۵)

(۱) سورة آل عمران آیه ۱۰۳

(۲) سورة مائده آیه ۳۲ (۳) و من یقتل مؤمناً متعمداً فجزاؤه جهنم خالداً فیها و غضب الله

علیه و لعنه و اعداءه عبد الباقی (سورة نساء آیه ۹۳) . (۴) سورة اسراء آیه ۳۲ .

(۵) : سیرة ابن هشام ج ۲ ص ۶۰۳ .